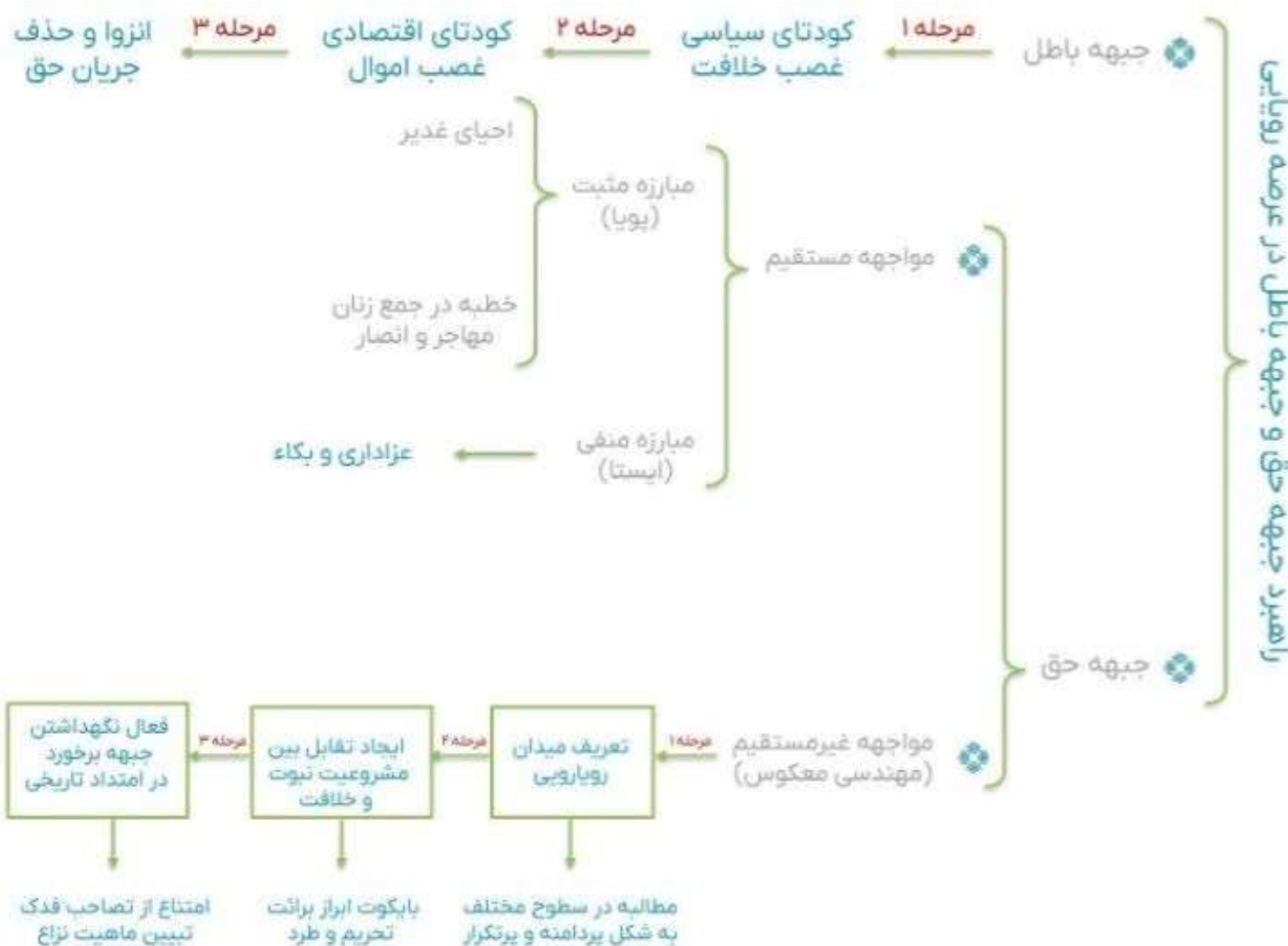


# بسم الله الرحمن الرحيم

شرح خطبه فدکیه - جلسه نوزدهم

جانمایی مسئله فدک و سایر حقوق و خطبه فدکیه در صحنه جبهه حق و باطل



**توضیح اجزا - جبهه باطل:** کودتای سیاسی (غصب خلافت): جریان نفاق، قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برنامه‌ریزی می‌کردند، در کتاب محلائی ابن حزم گزارش‌هایی آمده در بازگشت از غزوه تبوک عده قصد ترور پیامبر را داشتند، این یعنی زمینه‌سازی برای بعد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌شده، این مسئله تا زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ادامه داشت. حدیث معروف دوات و قلم که حضرت در روزهای پایانی فرمودند: «دوات و قلمی بیاورید تا وصیتی بنویسم.» و اجازه ندادند و با لحن تندی حضرت را متهم به هذیان گویی کردند و امر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را خنثی کردند. بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که روز دوشنبه حدود زوال ظهر بود، امیرالمومنین علیه السلام متصدی تجهیز امور حضرت شدند و در همان ساعات اولیه خبر رسید که جماعتی برای مسئله خلافت در سقیفه بنی ساعده یا در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حال برنامه‌ریزی هستند که عمر جزو این افراد بود. سپس آهسته جلسه را ترک کردند و به جمع تشییع‌کنندگان پیوستند، آنجا گفتگوهایی شد. بزرگان اوس و خزرج حضور داشتند و ادعای خلافت کردند. نزاع بالا گرفت و کاملاً مسئله‌عشیرگی شد. عمر در مرکز بود و به کمک ابو عبید جراح سریع وارد عمل شدند و ابوبکر را پیش انداختند و مردم را تشویق به بیعت با ابوبکر کردند. قبیله اوس که رقابت تاریخی با قبیله خزرج داشتند چون سعد ابن عباده رئیس خزرج رای نیاورد، آنها هم با ابوبکر بیعت کردند گزارش‌ها مختلف و متفاوت است. لشکر اسامه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برنامه‌ریزی کرده بودند آنجا را از سران اغتشاش خالی کنند، این مسئله به عکس شد. در اولین فرصت مسئله خلافت را تمام کردند و همه را فراخواندند که باید در لشکر اسامه حاضر شوید عده زیادی آمدند و جریان به نفع غاصبین به قرار گرفت. بزرگان صحابه نبودند و جریان به نفع خلیفه رقم خورد و بیعت‌ها صورت گرفت. در روزهای اولیه از دوشنبه بعد از ظهر تا شب پنجشنبه جنازه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روی زمین باقی ماند و حتی یک نماز جماعت برای

حضرت خوانده نشد. امام علی علیه السلام جنازه را غسل دادند و کفن کردند، کم کم مردم می آمدند و نماز می خواندند، در شب پنجشنبه به خاک سپرده شد. مهم ترین وجه قضیه، حضرت علی علیه السلام زیر بار بیعت نرفتند. جریانات به این جا ختم نشد، تا حدود ۵۰ روز بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه بار حضرت را دعوت به بیعت کردند؛ ولی ایشان قبول نکردند، بار آخر احراق دار و حمله به منزل ایشان بود. تا حضرت زهرا سلام الله علیها زنده بودند حضرت علی علیه السلام بیعت نکردند؛ ولی بعد از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها به اجبار بیعت کردند، در بعضی نقل ها آمده بعدا هم بیعت نکردند. بزرگان هم یا با تهدید و یا با تطمیع بیعت کردند، در مورد تطمیع در قبیله بنی اسلم که جمعیت زیادی داشتند به این صورت بیعت کردند. ابن ابی حدید از کتاب جوهری گزارشاتی دارد، در مورد سقیفه و فدک در جلد یک این کتاب آمده: وقتی مسئله خلافت ابوبکر پا گرفت، عطاها و بخشش هایی را داشت که بین زن های مهاجرین تقسیم می کرد، این مسئله برای تالیف قلوب و جلب بخش های وسیعی از جامعه بود، برای یک خانواده از این قبیله هم عطایایی فرستادند زید ابن ثابت مسئول آن بود خانم خانه پرسید: برای چی آورده اید؟ گفت: عطای ابوبکر جناب خلیفه است، آن خانم پرسید: شما می خواهید دین من را با رشوه بخرید؟ یعنی با این پول ها می خواهید ما را طرفدار خود کنید در مقابل امام علی علیه السلام؟ سپس گفت: من قبول نمی کنم و دینم را نمی فروشم. از طرفی برای توزیع این عطایا باید منابع مالی بالایی وجود داشته باشد که چه بسا با مصادره اموال حضرت زهرا سلام الله علیها این کار را انجام دادند و مقبولیت اجتماعی پیدا کردند.

**حوزه مجازی مهندس طلبه: [www.onlinehawzah.com](http://www.onlinehawzah.com)**

**شبکه های اجتماعی: [@onlinehawzah\\_com](https://www.instagram.com/onlinehawzah_com)**

**اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجه**